عاشورا؛ از حافظه تاریخی مسلمانان تا سرمایه راهبردی وحدت اسلامی

مقدمه

حادثه عاشورا از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رخدادهای تاریخ اسلام است؛ واقعه‌ای که فراتر از مرزهای مذهبی، به بخشی از حافظه تاریخی امت اسلامی تبدیل شده است. هرچند در طول تاریخ، قرائت‌های مختلفی از این رخداد شکل گرفته، اما آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، گستره اشتراکات موجود میان مسلمانان درباره شخصیت امام حسین(ع)، جایگاه اهل‌بیت(ع) و ارزیابی واقعه کربلا است.

در فضای کنونی جهان اسلام که با چالش‌هایی چون افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی، اسلام‌هراسی و مداخلات قدرت‌های خارجی مواجه است، بازخوانی عناصر مشترک میان مذاهب اسلامی اهمیتی دوچندان یافته است. یکی از مهم‌ترین این عناصر، شخصیت امام حسین(ع) و نهضت عاشوراست؛ شخصیتی که احترام، محبت و جایگاه والای او نه تنها در منابع شیعی، بلکه در معتبرترین منابع اهل سنت نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

بررسی منابع تفسیری، حدیثی و کلامی اهل سنت نشان می‌دهد که محبت اهل‌بیت پیامبر(ص) و به‌ویژه امام حسین(ع)، بخشی از میراث مشترک مسلمانان است و بسیاری از عالمان برجسته اهل سنت نیز نسبت به حادثه عاشورا موضعی همراه با اندوه، همدردی و محکومیت ظلم اتخاذ کرده‌اند. این ظرفیت می‌تواند مبنایی مهم برای تقویت گفتمان تقریب و همگرایی اسلامی باشد.

جایگاه اهل‌بیت(ع) در اندیشه اسلامی

یکی از نقاط مشترک میان مذاهب اسلامی، جایگاه ممتاز اهل‌بیت پیامبر اکرم(ص) است. قرآن کریم در آیه مودت می‌فرماید:

«قُل َلا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِ َّلا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی».

بسیاری از مفسران اهل سنت از جمله زمخشری در «الکشاف» و قرطبی در «الجامع لأحکام القرآن» نقل

کرده‌اند که پس از نزول این آیه، از پیامبر اکرم(ص) پرسیده شد مقصود از «قربی» چه کسانی هستند و آن حضرت فرمودند: «علی، فاطمه، حسن و حسین» (الکشاف، ج۴، ص۲۲۴-۲۲۳؛ الجامع لأحکام القرآن، ج۱۶، ص۲۲-۲۱).

این تفسیر نشان می‌دهد که محبت اهل‌بیت(ع) نه صرفاً یک فضیلت اخلاقی، بلکه از آموزه‌های مورد تأکید قرآن کریم است. آلوسی، مفسر برجسته اهل سنت، با استناد به روایات مربوط به آیه مودت، محبت اهل‌بیت را بر همه مسلمانان لازم می‌داند (روح المعانی، ج۲۵، ص۳۲).

همین جایگاه سبب شده است که امام شافعی، بنیان‌گذار یکی از بزرگ‌ترین مذاهب فقهی اهل سنت، در اشعار معروف خود محبت اهل‌بیت را فریضه‌ای الهی بداند:

«یا أهل بیت رسول ا حبکم
فرض من ا فی القرآن أنزله»

این نگاه نشان می‌دهد که محبت اهل‌بیت(ع) در سنت اسلامی، یک نقطه اشتراک و نه یک نقطه اختلاف محسوب می‌شود.

امام حسین(ع)؛ از اهل‌بیت تا فرزندی پیامبر(ص)

در منابع معتبر اهل سنت، امام حسین(ع) نه تنها از مصادیق قطعی اهل‌بیت معرفی شده، بلکه جایگاه ویژه‌ای در میان خاندان پیامبر اکرم(ص) دارد.

روایت مشهور «حدیث کساء» که در صحیح مسلم نقل شده است، از مهم‌ترین مستندات اهل سنت درباره جایگاه اهل‌بیت(ع) به شمار می‌رود. بر اساس این روایت، پیامبر اکرم(ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین(علیهم‌السلام) را زیر کساء جمع کردند و آیه تطهیر را درباره آنان تلاوت فرمودند (صحیح مسلم، ج۴، ص۱۸۸۳).

همچنین حاکم نیشابوری در «المستدرک علی الصحیحین» از ام‌سلمه نقل می‌کند که هنگام نزول آیه تطهیر، پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «اللهم هؤلاء أهل بیتی» و بدین ترتیب اهل‌بیت خود را معرفی کردند (المستدرک، ج۳، ص۴۵۱).

فخرالدین رازی، از بزرگ‌ترین متکلمان و مفسران اهل سنت، ضمن تأکید بر صحت این روایات، تصریح می‌کند که حسن و حسین(علیهماالسلام) بر اساس آیه مباهله، فرزندان پیامبر اکرم(ص) محسوب می‌شوند (التفسیر الکبیر، ج۸، ص۷۲-۷۱).

این جایگاه منحصر به فرد سبب شد که امام حسین(ع) در نگاه مسلمانان تنها یک شخصیت تاریخی نباشد، بلکه بخشی از هویت معنوی امت اسلامی تلقی شود.

محبت امام حسین(ع) در سنت نبوی

یکی از مهم‌ترین ابعاد مشترک میان مسلمانان، روایات فراوانی است که محبت ویژه پیامبر اکرم(ص) نسبت به امام حسین(ع) را نشان می‌دهد.

حاکم نیشابوری در «المستدرک» و ابن‌حبان در «صحیح ابن حبان» نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم(ص) بارها امام حسین(ع) را در آغوش می‌گرفتند، او را می‌بوسیدند و محبت خود را آشکارا ابراز می‌کردند.

حدیث مشهور «حسین منی و أنا من حسین» از جمله شناخته‌شده‌ترین روایات در این زمینه است که در منابع معتبر اهل سنت نقل شده است (المستدرک، ج۳، ص۱۸۴؛ صحیح ابن حبان، ج۱۵، ص۴۲۸).

همچنین در سنن ابن ماجه از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است:

«من أحب الحسن والحسین فقد أحبنی ومن أبغضهما فقد أبغضنی»

یعنی هر کس حسن و حسین را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس با آنان دشمنی کند با من دشمنی کرده است (سنن ابن ماجه، ج۱، ص۵۱).

این روایات نشان می‌دهد که محبت امام حسین(ع) در سنت نبوی جایگاهی بنیادین دارد و ارتباط مستقیمی با محبت پیامبر اکرم(ص) پیدا می‌کند.

عاشورا؛ آزمون بزرگ امت اسلامی

یکی از نکات قابل تأمل در منابع اسلامی آن است که پیامبر اکرم(ص) پیش از وقوع حادثه کربلا، از شهادت امام حسین(ع) خبر داده بودند.

در «مسند احمد» و «مجمع الزوائد» روایت شده است که جبرئیل به پیامبر اکرم(ص) خبر داد که امت ایشان، حسین بن علی(ع) را به شهادت خواهند رساند و حتی خاک محل شهادت آن حضرت را به ایشان نشان داد (مسند احمد، ج۳، ص۲۴۲؛ مجمع الزوائد، ج۹، ص۱۸۷).

این روایات نشان می‌دهد که واقعه کربلا از منظر سنت نبوی، حادثه‌ای عادی و صرفاً سیاسی نبوده، بلکه آزمونی بزرگ برای امت اسلامی محسوب می‌شده است.

در همین راستا، طبرانی از پیامبر اکرم(ص) نقل می‌کند که امت اسلامی پس از ایشان در نحوه رفتار با اهل‌بیت مورد آزمایش قرار خواهند گرفت (المعجم الکبیر، ج۴، ص۱۹۲).

از این منظر، عاشورا صرفاً یک رخداد تاریخی نیست، بلکه معیاری برای سنجش میزان وفاداری مسلمانان به آموزه‌های نبوی درباره اهل‌بیت(ع) به شمار می‌آید.

بازتاب عاشورا در منابع اهل سنت

یکی از موضوعات مهمی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، انعکاس گسترده واقعه عاشورا در منابع اهل سنت است.

سیوطی در «الدر المنثور»، طبری در «جامع البیان» و ابن کثیر در تفسیر خود نقل کرده‌اند که پس از شهادت امام حسین(ع)، سرخی ویژه‌ای در آسمان مشاهده شد و این حادثه در میان مسلمانان به عنوان نشانه‌ای از عظمت مصیبت کربلا مورد توجه قرار گرفت (الدر المنثور؛ جامع البیان، ج۲۵، ص۱۲۴؛ تفسیر ابن کثیر، ج۴، ص۱۴۳).

همچنین در تفسیر ابن ابی حاتم نقل شده است که آسمان بر هیچ‌کس همانند یحیی بن زکریا و حسین بن علی(ع) نگریسته و این تعبیر و اصطلاح برای این دو شخصیت نشانه عظمت مصیبت آنان بوده است (تفسیر ابن ابی حاتم، ج۱۰، ص۳۲۸۹).

این گزارش‌ها صرف‌نظر از نحوه تحلیل تاریخی آنها، نشان‌دهنده تأثیر عمیق حادثه عاشورا بر وجدان جمعی مسلمانان است.

موضع علمای اهل سنت نسبت به شهادت امام حسین(ع)

برخلاف برخی تصویرسازی‌های رسانه‌ای و فرقه‌ای، بخش قابل توجهی از عالمان اهل سنت در طول تاریخ نسبت به شهادت امام حسین(ع) موضعی انتقادی نسبت به عاملان این حادثه داشته‌اند.

سعدالدین تفتازانی، از بزرگ‌ترین متکلمان اهل سنت، در شرح المقاصد می‌نویسد که ظلمی که بر اهل‌بیت پیامبر(ص) وارد شد به اندازه‌ای بزرگ و آشکار است که هیچ تردیدی در آن وجود ندارد و عاملان این جنایت مستحق نکوهش و لعن الهی هستند (شرح المقاصد، ج۲، ص۳۰۷).

چنین مواضعی نشان می‌دهد که محکومیت ظلم وارد شده بر خاندان پیامبر(ص)، منحصر به یک مذهب خاص نیست و در میان بسیاری از دانشمندان اهل سنت نیز سابقه‌ای روشن دارد.

عاشورا؛ سرمایه‌ای برای تقریب مذاهب اسلامی

یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های عاشورا در روزگار معاصر، امکان تبدیل آن به بستری برای تقویت وحدت اسلامی است. هرچند مسلمانان درباره برخی ابعاد تاریخی، فقهی و آیینی مرتبط با عاشورا دیدگاه‌های متفاوتی دارند، اما در اصولی اساسی با یکدیگر اشتراک دارند: جایگاه والای امام حسین(ع)، محبت اهل‌بیت(ع)، محکومیت ظلم، ارزش مقاومت در برابر انحراف و ضرورت پاسداری از کرامت انسانی.

امروز جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازگشت به این مشترکات است. دشمنان امت اسلامی همواره کوشیده‌اند اختلافات مذهبی را برجسته سازند و از سرمایه‌های مشترک مسلمانان غفلت شود. در حالی که شخصیت امام حسین(ع) می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای گفت‌وگوی اسلامی و همگرایی میان مذاهب عمل کند.

تقریب مذاهب اسلامی به معنای حذف تفاوت‌ها نیست، بلکه به معنای شناخت متقابل، احترام متقابل و تمرکز بر مشترکاتی است که می‌تواند امت اسلامی را در برابر چالش‌های بزرگ جهان معاصر متحد سازد. عاشورا و پیام جهانی آن، یکی از برجسته‌ترین این مشترکات است.

نتیجه‌گیری

بررسی منابع معتبر اهل سنت نشان می‌دهد که محبت اهل‌بیت(ع) و به ویژه امام حسین(ع)، ریشه‌ای عمیق در میراث اسلامی دارد. آیات قرآن، احادیث نبوی و آثار برجسته‌ترین مفسران، محدثان و متکلمان اهل سنت، همگی بر جایگاه ممتاز خاندان پیامبر(ص) تأکید کرده‌اند.

همچنین بسیاری از منابع اهل سنت، واقعه عاشورا را مصیبتی بزرگ برای امت اسلامی دانسته و نسبت به ظلمی که بر امام حسین(ع) و خاندان پیامبر(ص) وارد شد، ابراز تأسف و اندوه کرده‌اند.

از این رو، عاشورا نه تنها یادآور یک فاجعه تاریخی، بلکه فرصتی برای بازشناسی مشترکات امت اسلامی است. بازخوانی این میراث مشترک می‌تواند در مسیر تحقق اهداف تقریب مذاهب اسلامی، تقویت اخوت دینی و شکل‌گیری گفتمانی وحدت‌آفرین در جهان اسلام نقش‌آفرین باشد.

منابع

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، تفسیر ابن ابی حاتم.

ابن حبان، محمد بن حبان، صحیح ابن حبان.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم.

احمد بن حنبل، المسند.

آلوسی، سید محمود، روح المعانی.

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری.

ترمذی، محمد بن عیسی، السنن.

تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد.

حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین.

رازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر.

سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور.

طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر.

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان.

قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن.

مسلم بن حجاج، صحیح مسلم.

زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف.